

میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در نامگذاری معابر اصلی شهر تهران

* حسین گودرزی

E-mail: goodarziinfo@yahoo.com

** مهدی بختیاری

E-mail: mahdibakhtiari22@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۹

چکیده

هویت ملی ادراک یک ملت از چیستی و کیستی خود در مقابل ملت‌های دیگر است تا بدین وسیله خود را از دیگران باز شناسد و به داشته‌های خود احساس تعلق کند. تکوین و باز تولید هویت ملی در بستر زمان و مکان صورت می‌گیرد. مؤلفه‌ها و نمادهای هویت ملی می‌تواند به شکل اسامی مکان‌ها تجلی پیدا کند. نام‌گذاری اماکن که خود متأثر از فرهنگ یک جامعه است، نشان دهنده میزان تأکید و توجه تفکر حاکم، بر اهمیت هویت ملی در یک کشور است. این تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته، در پی بررسی این مطلب است که در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران تا چه اندازه به هویت ملی و ابعاد آن توجه شده است. یافته‌ها حاکی از عدم توازن در نام‌گذاری‌ها از حیث توجه به هویت ملی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: هویت، هویت ملی، ملت تاریخی، ملت سیاسی، شهر تهران.

* استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول

مقدمه و بیان مسأله

هویت سابقه‌ای به بلندای تاریخ بشریت دارد؛ زیرا انسان از همان آغاز به دنبال شناخت خود و در پی پاسخگویی به این سؤال بوده است که من کیستم و چیستم. به عبارتی، این پرسش ابتدایی‌ترین و بنیادی‌ترین نیاز معنوی انسان را در خود نهفته دارد. ضروری است ما برای مشارکت در جامعه به‌عنوان اعضای مؤثر، کیستی خود را مشخص کنیم، به این معنی که همان‌طور که ما باید معنا و تفسیری از افراد، اشیا و حوادث جهان اطرافمان داشته باشیم، باید از خودمان نیز معنا و تفسیری داشته باشیم (وندز زدن به نقل از حقیقتیان، ۱۳۹۰: ۷۱) این شناخت و تصور از خودمان و دیگران که باعث تداوم زندگی اجتماعی می‌شود، هویت نام دارد و بدون آن زندگی اجتماعی ممکن نیست (قربانعلی‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۹).

هویت در فرهنگ اکسفورد مشتق از ریشه لاتین Identitas است که از Iden یعنی تشابه و یکسان گرفته شده است و دو معنای اصلی دارد: اولین معنای آن بیانگر تشابه مطلق است. معنای دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. بر همین اساس جنکیز اعتقاد دارد که هویت به‌طور همزمان دو نسبت محتمل میان افراد یا اشیا برقرار می‌سازد، از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵) هویت انواع، سطوح و سلسله مراتب مختلفی دارد اما در یک دسته‌بندی کلی می‌توان دو نوع هویت را از یکدیگر متمایز کرد. اول هویت فردی، یعنی همان چیزی که فرد را به واسطه ویژگی‌ها و خصوصیات یگانه و منحصر به فرد او، مورد شناسایی قرار می‌دهد و در عین حال از دیگران متمایز می‌کند و دوم هویت جمعی است که عبارتست از تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک با عنوانی خاص. چنین تعلق‌ی موجب احساس همبستگی و شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود که با عنوان ما از ماهای دیگر جدا می‌شود (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳: ۱) یکی از بزرگترین گروه‌های اجتماعی که فرد بدان تعلق دارد ملت است. بنابراین می‌توان گفت هویت ملی یکی از جامع‌ترین بخش‌های هویت جمعی است (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۶) که نیاز به آن و احساس تعلق و وفاداری و گرایش به سمت آن از ضرورت‌های انکارناپذیر، در هر جامعه‌ای است.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، هویت ملی به این لحاظ اهمیت دارد که یکی از عوامل مهم انسجام اجتماعی و سازگاری ملی در جامعه تلقی می‌شود (حجازی، ۱۳۸۵: ۹).

با توجه به وضعیت ایران در حال حاضر و مسایلی که در سطح داخلی و خارجی مطرح است، تحلیل وضعیت هویت ملی و مهم‌ترین عامل ایجاد وفاق در جامعه یعنی تقویت بنیان‌های هویت ملی حایز اهمیت فراوانی است. هویت ملی مانند هر نوع هویت در سطوح دیگر، از طریق بازتولید مؤلفه‌های خویش ادامه حیات می‌دهد. به عبارتی همان‌طور که اسمیت اعتقاد دارد، هویت ملی بازتولید و باز تفسیر دائمی ارزش‌هاست (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰) یکی از ابزارهای باز تولید هویت، نام‌هایی هستند که محملی برای انعکاس هرگونه هویت است.

نام، کلمه یا مجموعه‌ای از کلمات است که هویت خاصی را در تمامیتش نشان می‌دهد (مهرابی، ۱۳۸۱: ۹۷) نام‌ها شاخصی برای هویت‌یابی گروهی، تمایزبخشی، شناخت گروه‌بندی‌ها و گسست‌های اجتماعی، تحولات فرهنگی (ارزشی و اعتقادی)، شناخت خرده‌فرهنگ‌های بالفعل و روندهای مختلف درون فرهنگ و جامعه‌اند (نظری، ۱۳۹۱: ۱). معابر و خیابان‌های یک شهر، خصوصاً پایتخت هویتی اسمی دارند که این اسامی می‌تواند نمادهایی از هویت ملی باشد. عموماً این نام‌گذاری‌ها نشان دهنده میزان توجه به هویت ملی است که از سوی تفکر حاکم بر جامعه صورت می‌گیرد. خصوصاً در پایتخت هر کشور که نماد سیاسی هر کشور است.

تحلیل مفهوم هویت ملی، مستلزم در نظر گرفتن ابعاد آن است. به‌رغم این‌که در بین اندیشمندان در مورد ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی، نقاط مشترک زیادی وجود دارد، لکن توافق جامعی درباره ابعاد ثابت آن وجود ندارد، و هر یک از اندیشمندان براساس هدف خود، ابعادی را برای خود در نظر گرفته‌اند. به‌طور مثال ابوالحسنی پنج بعد جامعه‌ای، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی را به‌عنوان ابعاد هویت ملی در نظر گرفته است (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۱).

لقمان‌نیا و همکارانش، سرزمین، زبان، تاریخ، دین، نماد و فرهنگ را به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی در نظر گرفته‌اند (لقمان‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۲). عبداللهی در فراتحلیل خود بر ۵۰ پژوهش انجام گرفته در خصوص هویت ملی اشاره می‌کند و ابعاد تاریخی، فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی را به‌عنوان ابعاد مورد استفاده غالب پژوهشگران معرفی کرده است (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۱). توسلی عنصر هویت ملی را این‌گونه معرفی کرده است: سرزمین بعد جغرافیایی، گذشته تاریخی، فرهنگ مشترک، زبان و دین مشترک (توسلی، ۱۳۷۱: ۳۴).

در این پژوهش به مقتضای مسأله تحقیق، هویت ملی در چهار بعد تاریخی، سیاسی، دینی و فرهنگی در نظر گرفته شده است. این ابعاد چهارگانه قالب مناسبی را برای دسته‌بندی و تحلیل داده‌های جامعه آماری فراهم می‌آورد. بنابراین می‌توان گفت اسامی معابر می‌تواند باز نمودی از هویت ملی باشد. با بررسی کلی صورت گرفته در خصوص اسامی معابر مشخص شد که این اسامی را می‌توان در ۴ نماد دسته‌بندی کرد که عبارتند از: اسامی مشاهیر ملی، مفاهیم ملی، نام مکان‌های ملی و رویدادهای ملی با این تعریف‌های مختصر:

مشاهیر ملی: اشخاص حقیقی یا اسطوره‌هایی هستند که در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، دینی و تاریخی تأثیری مثبت داشته‌اند.

مفاهیم ملی: اسامی که حاوی ارزش‌های مثبت سیاسی، دینی، تاریخی و فرهنگی باشند.

اسم مکان: اسامی مکان‌های داخلی و یا اسامی کشورهای خارجی دوست است.

رویدادها ملی: منظور وقایع تأثیرگذار از حیث سیاسی، تاریخی، دینی و فرهنگی است.

تعریف‌های مورد نظر این تحقیق در خصوص ابعاد هویت ملی نیز به شرح زیر است:

۱- بعد سیاسی: یعنی افرادی که در داخل یک ساختار سیاسی و مرزهای یک کشور زندگی می‌کنند از لحاظ روانی هم خود را اعضای یک سیستم بدانند (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۱). بعد سیاسی در چهار نوع نماد و مؤلفه می‌تواند بازنمایی شود، اول نام مشاهیر شامل اسامی شهدای جنگ و انقلاب اسلامی، مشاهیر خارجی همسو با ایران (فراسرزمینی شخص)، دوم اسامی مکان‌های داخلی و اسامی کشورهای خارجی همسو با ایران (فراسرزمینی مکان). سوم مفاهیم سیاسی و چهارم رویدادهای سیاسی.

۲- بعد تاریخی: عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی، احساس دل‌بستگی به آن و احساس هویت تاریخی و هم تاریخ‌پنداری که مانع جدا شدن یک نسل از تاریخ‌اش می‌شود (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۱). بعد تاریخی در این تحقیق، شامل مفاهیم تاریخی، مشاهیر تاریخی (تاریخ باستان، قبل از معاصر یعنی قبل مشروطه و معاصر)، مکان‌های تاریخی و رویدادهای تاریخی می‌شود.

۳- بعد دینی: برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پای‌بندی و وفاداری به آن و اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر در فرایند شکل‌دهی به هویت ملی بسیار مؤثر است. بعد دینی در این تحقیق شامل اسامی مشاهیر (اسامی امامان معصوم(ع)، بزرگان صدر اسلام و بزرگان مذهبی تاریخی)، مفاهیم دینی، رویدادهای دینی و مکان‌های دینی است.

۴- بعد فرهنگی: پیوند میان فرهنگ و هویت چنان عمیق است که اغلب هویت را پدیده‌ای فرهنگی می‌دانند و برای فرهنگ نقش مستقلی در هویت قایل‌اند (کازمی و شاه قلعه، ۱۳۹۲: ۱۱۵). بعد فرهنگی در این تحقیق شامل مفاهیم فرهنگی، رویدادهای فرهنگی، مشاهیر فرهنگی و مکان‌های فرهنگی است.

سوالات تحقیق

- ۱- میزان معابر اصلی در شهر تهران که اسامی آنها دارای بار هویتی هستند نسبت به کل معابر اصلی شهر تهران چقدر است؟
- ۲- در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران تا چه میزان به هویت ملی و ابعاد آن توجه شده است؟
- ۳- در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران تا چه میزان از انواع نمادهای ملی (مفاهیم، مشاهیر، مکان‌ها و رویدادهای ملی) استفاده شده است؟
- ۴- در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران به کدام نوع مشاهیر توجه بیشتری شده است؟
- ۵- در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران به کدام نوع مفاهیم توجه بیشتری شده است؟
- ۶- در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران به کدام نوع رویدادها توجه بیشتری شده است؟
- ۷- در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران به کدام مکان‌ها توجه بیشتری شده است؟

چهار چوب نظری و مفهومی

الف) رویکردهای نظری هویت

در عرصه نظری بسیاری از اندیشمندان هویت را پدیده سیاسی و اجتماعی مولود عصر جدید می‌دانند که به عنوان یک مفهوم علمی از نیمه دوم قرن بیستم گسترش یافته است. به رغم این گرایش مسلط، دیدگاه دیگری معتقد است این مفهوم در جامعه بشری سابقه دیرینه‌ای دارد و در گذر زمان رویکردها و نگرش‌های مختلفی نسبت به آن تبیین شده است (تاجیک، ۱۳۸۳: ۹).

هویت نزد مید به معنی خود است که تحت تأثیر تلقی‌های دیگران، عمومیت میابد و با آن تغییر می‌کند (حاجیان، ۱۳۸۸: ۱۰۸). از نظر گیدنز هویت به درک و تلقی مردم از این که چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است مربوط می‌شود. این تلقی‌ها در پیوند با خصوصیات معینی شکل می‌گیرد که بر سایر منابع معنایی اولویت دارد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۵). به عقیده کاستلز هویت فرایند معناسازی براساس یک ویژگی

فرهنگی یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های فرهنگی به هم پیوسته است (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۸۶). جنکیز تحت تأثیر آموزه‌های مکتب کنش متقابل، معتقد است هویت اجتماعی، برقراری و متمایز ساختن نظام‌مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها و میان افراد و جماعت‌هاست (گودرزی، ۱۳۸۷: ۲۳). هویت اجتماعی از دیدگاه تاجفیل بخشی از برداشت فرد از خود است که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۵). رابرتسون از نظریه‌پردازان جهانی‌شدن، معتقد است که جست‌وجوی هویت را می‌توان به شکلی از مقاومت در برابر جهانی‌شدن دانست. به عبارتی فشرده شدن زمان و مکان است که جوامع را وامی‌دارد تا هویت خود را برای مقاصد داخلی و خارجی بیان دارند. در این چشم‌انداز، دیگر اعلام هویت جزئی از اصل فرایند جهانی‌شدن است (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۹۵).

از نظر تاجیک (۱۳۸۲) رویکردهای نظری هویت را می‌توان به دو گروه کلاسیک و جدید تقسیم‌بندی کرد:

الف) رویکردهای کلاسیک:

۱- رویکردهای گوهرگرا: که اعتقاد به تعیین‌یافتگی هویت داشته و محور حیاتی بحث هویت را تقابل اضداد می‌دانستند، که بر بنیان «خودی و بیگانه» شکل گرفته‌اند.

۲- رویکردهای برساخت‌گرایی اجتماعی: تأکید اصلی بر آن است که ماهیت خود، ساخته و پرداخته تاریخ است و در ظرف مکان و زمان خاصی شکل می‌گیرد و معنای یابد.

۳- رویکردهای میانه: این دسته از نظریه‌ها که در میان گوهرگرایی و سازه‌گرایی قرار می‌گیرند، بر این اعتقادند که احساس هویت یک مقوله حدوثی و شدنی است و نه قدیمی و ذاتی. لکن هویت یک جنبه تکونی (در مقابل تکوینی) و یا محولی (در مقابل محقق) نیز دارد.

ب) رویکردهای جدید

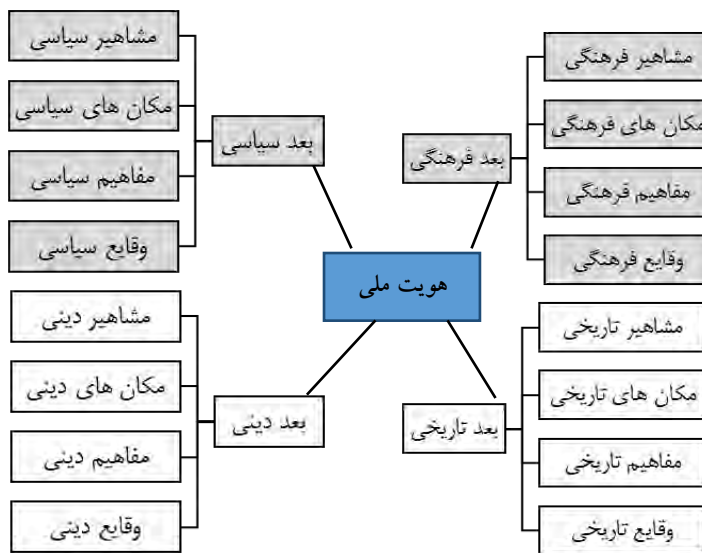
این دسته از نظریه‌ها بر آن‌اند که هویت امری تاریخی و محتمل و محصول زمان و تصادف بوده و در بستر گفتمان‌های روان و متغیر شکل می‌گیرند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۷۳).

مفهوم هویت ملی و ملت

به نظر اسمیت هویت ملی عبارت است از بازتولید و باز تفسیر دایمی الگوها و ارزش‌ها، نمادها و خاطره‌ها، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و با عناصر فرهنگی‌اش امکان‌پذیر

است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰). میلر معتقد است وقتی دربارهٔ هویت ملی صحبت می‌کنیم. ابتدا باید تصور روشنی در مورد این که ملت‌ها چه هستند داشته باشیم (صالحی‌عمران و شکیباییان، ۱۳۸۶: ۳۱)؛ زیرا هویت ملی نوعی هویت جمعی در سطح گروهی اجتماعی به نام ملت است (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۱). در اندیشه تامپسون، مفهوم اساسی در هویت ملی، احساس تعلق به یک ملت است. در واقع مردم همواره می‌خواهند بخشی از ملت خودشان باشند و بدان وسیله شناسایی شوند (حاجیان، ۱۳۸۸: ۳۶). به نظر وی ملت، اجتماعی از افراد است که اعضای آن به وسیله اشتراکات تاریخی در سرزمین و فرهنگ و با آگاهی از تفاوت خود با دیگر ملت‌ها کنار هم گرد آمده‌اند (قالیاف، ۱۳۸۹: ۹). در تعریف کلی ملت، دو نوع رویکرد مهم را می‌توان به دست آورد (که با رویکردهای نظری هویت بی‌ارتباط نیست). رویکردی که در آن ملت به مفهوم فرهنگی تاریخی است که دارای مؤلفه‌های سرزمین تاریخی، اساطیر، نماد و وقایع تاریخی و میراث فرهنگی دارای اهمیت بیشتری هستند. دوم رویکردی که در آن تعریف ملت به مفهوم سیاسی است که سرزمین فعلی و یکپارچگی سیاسی و اجتماعی کنونی دارای اهمیت است (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۱).

در این پژوهش تعریف کاستلز از هویت مبنای کار قرار می‌گیرد. به نظر کاستلز هویت، فرایند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های فرهنگی به هم پیوسته است. یکی از عوامل معناساز هویت و نماد ویژگی‌های فرهنگی، اسامی‌ای هستند که در نام‌گذاری معابر از آن استفاده می‌شود. افراد جامعه به طور مستمر در تعامل ذهنی با این اسامی قرار گرفته و هویت جمعی خود را به وسیله آن بازیابی و باز تعریف می‌کنند. هم‌چنین رویکردهای گوه‌رگرایی و برساخت‌گرایی اجتماعی می‌تواند در مورد هویت ملی در ایران صادق باشد. رویکرد گوه‌رگرایی به این خاطر که ملت ایران، ملتی دارای تاریخ و فرهنگ است و رویکرد برساخت‌گرایی به این علت که ارزش‌ها و میراث فرهنگی به‌طور مستمر در حال بازتولید و بازتفسیر قرار دارند. در نتیجه هویت ملی در این پژوهش براساس رویکرد نظری کلاسیک میانه (که اشتراک میان دو رویکرد گوه‌رگرایی و برساخت‌گرایی است) تحلیل خواهد شد. ضمناً هویت ایرانی به‌صورت ساختار لایه‌ای در نظر گرفته می‌شود که دارای لایه‌های اصلی و فرعی است. براساس مطالب ذکر شده در چهارچوب نظری، مدل نظری این پژوهش را به شکل زیر می‌توان در نظر گرفت:



مدل نظری تحقیق

پیشینه تحقیق

گرچه پژوهش‌های فراوانی در خصوص هویت ملی و عوامل مرتبط با آن صورت گرفته است؛ لکن هیچ‌گونه پژوهشی که رابطه بین نام‌گذاری معابر را با هویت ملی به طور مستقل مورد بررسی قرار داده باشد، صورت نگرفته است. البته در برخی تحقیقات اهمیت اسامی و نام‌ها در تقویت هویت ملی به طور غیرمستقیم مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله این تحقیقات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- مرجان بدیعی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان نام‌گذاری خیابان‌های شهر تهران پس از انقلاب اسلامی»، این فرایند را در ارتباط با تغییر شکل قدرت سیاسی کشور در زمان انقلاب و پس از آن مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش اهمیت هویت اسامی خیابان‌ها به عنوان تبلوری از حافظه تاریخی و عاملی در جهت همبستگی ملی مورد تأیید و بررسی قرار گرفته است.

۲- علی مرشدی‌زاد (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «نمادها و آیین‌ها در ایران پس از انقلاب و نقش آنها در همبستگی ملی» در نام‌های استفاده شده برای خیابان‌ها از نام‌های شهدای جنگ و انقلاب اسلامی به عنوان نمادهای همبستگی یاد می‌کند، گرچه تکرار و یکنواختی آنها به نوعی ضدتبلیغ می‌انجامد.

۳- محمدباقر قالیباف و به همراه محمدهادی پوینده (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «تبیین جغرافیای هویت ملی» ضمن تبیین مؤلفه‌های هویت ملی با رویکرد جغرافیایی، تأثیر اسامی جغرافیایی را در تشکیل هویت ملی و ایجاد چهارچوب مناسب برای یکپارچگی و وحدت ملی مورد تأیید و بررسی قرار می‌دهد.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوا و نوع پژوهش، توصیفی است. در روش تحلیل محتوا پژوهشگر می‌کوشد تا از طریق مطالعه پیام مکتوب یا شفاهی، به داده‌هایی دست یابد تا به کمک آنها، فرضیه‌های تحقیق خود را بررسی کند (درانی، ۱۳۷۵: ۱۷). متن مورد بررسی در این پژوهش، نقشه راه‌های جیبی شهر تهران تهیه شده در سال ۱۳۹۳ است که توسط مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی به چاپ رسیده است. نمونه تحقیق شامل اسامی معابر اصلی شهر تهران بوده است که در روی نقشه به رنگ زرد مشخص شده است. واحد تحلیل نیز سه نوع معبر اصلی شامل میدان، خیابان و بزرگراه است.

یافته‌های تحقیق

سؤال اول: میزان معابری که اسامی آنها بار هویتی دارند، نسبت به کل معابر چقدر است؟

جدول شماره ۱: میزان معابر دارای بار هویتی نسبت به کل معابر اصلی

تعداد	نوع معابر	خیابان	میدان	بزرگراه	جمع یا میانگین
۳۹۵	معابر اصلی هویتی	۳۹۵	۹۳	۴۳	۵۳۲
۵۳۲	کل معابر اصلی	۵۳۲	۱۷۲	۵۸	۷۶۲
%۷۴	درصد	%۷۴	%۵۴	%۷۴	%۷۰

یافته‌های جدول شماره یک نشان می‌دهد در مجموع ۷۰ درصد از معابر اصلی شهر تهران اسامی دارند که به نوعی هویت ملی ایرانی را بازنمایی می‌کنند. این نسبت برای خیابان‌ها و بزرگراه‌ها ۷۴ درصد و برای میداين ۵۴ درصد است. بنابراین می‌توان گفت که در نام‌گذاری شهر تهران نسبت به خیابان‌ها و بزرگراه‌ها توجه کمتری به مؤلفه‌های هویت ملی شده است.

سؤال دوم: در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران تا چه اندازه به هویت ملی و ابعاد آن توجه شده است؟

جدول شماره ۲: میزان توجه به ابعاد هویت ملی در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران

جمع	بعد تاریخی	بعد فرهنگی	بعد دینی	بعد سیاسی	بعد هویت ملی تعداد و درصد
۵۳۲	۶۰	۳۷	۹۹	۳۳۵	معابر با بار هویتی
%۱۰۰	%۱۱/۲	%۶/۹	%۱۸/۶	%۶۶/۷	درصد از کل معابر

یافته‌های جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در مجموع ۵۳۲ مورد از معابر اصلی شهر تهران اسامی دارند که به نوعی مؤلفه‌های هویت ملی را بازنمایی می‌کنند. از این مقدار ۶۶ درصد مربوط به بعد سیاسی و ۱۹ درصد بعد دینی، ۷ درصد بعد فرهنگی و ۱۱ درصد مربوط به بعد تاریخی است. چنان‌که ملاحظه می‌شود دو سوم کل نام‌گذاری‌ها در بعد سیاسی خلاصه شده است.

سؤال سوم: در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران به کدام یک از نمادهای هویت ملی (مفاهیم، مشاهیر، مکان‌ها و رویدادهای ملی) توجه بیشتری شده است؟

جدول شماره ۳: میزان توجه به نمادهای هویت ملی در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران

جمع	رویدادها	مکان‌ها	مفاهیم	مشاهیر	بعد هویت ملی نوع نماد
۵۲۹	۱۱	۴۷	۹۴	۳۷۲	تعداد
%۷۰	%۲	%۸/۸	%۱۷/۷	%۷۰	درصد از معابر اصلی

یافته‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که از نمادهای تعریف شده هویت ملی در این تحقیق، به این صورت برای نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران استفاده شده است. ۳۷۲ مورد به نام مشاهیر که برابر با ۷۰ درصد از کل معابر اصلی دارای بعد هویت ملی است، اختصاص یافته است. ۹۴ مورد (۱۸ درصد) به مفاهیم ملی، ۴۷ مورد (۹ درصد) به اسامی مکان‌های ملی و ۱۱ مورد (۲ درصد) به رویدادها و وقایع ملی. بنابراین در امر نام‌گذاری بیشتر از نام شخصیت‌ها و مشاهیر استفاده شده است. البته نام‌گذاری مکان‌ها به نام اشخاص متوفی یا غیرمتوفی، از عهد قاجار در تهران مرسوم بوده است (پاپلی‌یزدی، ۱۳۷۳: ۴۷).

سؤال چهارم: در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران به کدام نوع از اسامی شخصیت‌ها توجه بیشتری شده است؟

جدول شماره ۴: میزان توجه به مشاهیر و شخصیت‌ها در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران

جمع	مشاهیر فرهنگی	مشاهیر تاریخی			مشاهیر دینی			مشاهیر سیاسی		ابعاد هویت ملی
		مشاهیر تاریخ معاصر	مشاهیر تاریخ قبل معاصر	مشاهیر تاریخ باستان	بزرگان صدر اسلام	بزرگان مذهبی تاریخی	معصومین(ع)	فرازمینی شخص	شهدای جنگ و انقلاب	نوع نماد
۴۰۷	بزرگان علمی، ادبی و فرهنگی (تاریخی و معاصر)	۸	۵	۰	۱۴	۱۵	۵۷	۸	۵۰	شخصیت
										تعداد
۴۰۷	۳۶	۲۳			۸۵			۲۵۸		جمع
۱۰۰	٪۸/۸	٪۵/۶			٪۲۰/۸			٪۶۳/۳		درصد از کل معابر اصلی

یافته‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که در مجموع ۴۰۷ مورد از معابر اصلی شهر تهران به نام مشاهیر و شخصیت‌ها نام‌گذار شده است.

این تعداد در برابر با ۵۳٪ کل معابر اصلی و ۷۶٪ از معابر با هویت ملی است. از این تعداد ۲۵۸ مورد برابر با ۶۳ درصد اسامی شخصیت‌های سیاسی است، که شامل ۲۵۰ مورد نام شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی و ۸ مورد مربوط به شخصیت‌های سیاسی خارجی است.

۸۵ نام (۲۱ درصد) نیز بعد دینی هویت ملی را بازنمایی می‌کند که ۵۷ مورد مربوط به نام معصومین(ع)، ۱۵ مورد مربوط به بزرگان مذهبی تاریخی و ۱۳ مورد مربوط به بزرگان مذهبی صدر اسلام است. تعداد اسامی که بعد تاریخی هویت ملی را بازنمایی می‌کند، ۲۳ مورد (حدود ۶ درصد) است که ۱۸ مورد مربوط به شخصیت‌های تاریخی معاصر (قاجار و بعد)، ۵ مورد مربوط به تاریخ قبل معاصر (از اول اسلام تا قاجاریه) است و از اسامی مربوط به شخصیت‌های تاریخ باستان هیچ استفاده‌ای نشده است. اسامی مربوط به بعد فرهنگی نیز ۳۶ مورد (حدود ۹ درصد) است که بزرگان، شعرا و شخصیت‌های علمی، فرهنگی و تاریخی ایران را شامل می‌شود. داده‌های جدول فوق حکایت از عدم توازن در توجه به ابعاد هویت ملی در استفاده از نام شخصیت‌ها برای

نام‌گذاری معابر شهر تهران دارد، به‌طوری‌که حدود دو سوم از اسامی تنها به مشاهیر و شخصیت‌های سیاسی اختصاص یافته است.

کل اسامی شخصیت‌هایی که در سه بعد تاریخی، فرهنگی و دینی مورد استفاده قرار گرفته، حدود ۳۷ درصد و اسامی مربوط به بعد سیاسی به تنهایی ۶۳ درصد است. در نتیجه می‌توان گفت در این نام‌گذاری‌ها ملت سیاسی بیشتر از ملت تاریخی مورد توجه بوده است.

سؤال پنجم: در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران به کدام نوع مفاهیم هویت ملی توجه بیشتری شده است؟

جدول شماره ۵: میزان توجه به مفاهیم هویت ملی در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران

جمع	مفاهیم فرهنگی	مفاهیم تاریخی	مفاهیم دینی	مفاهیم سیاسی	ابعاد هویت ملی
					تعداد و درصد
۹۴	۱	۰	۴۰	۵۳	تعداد
۱۰۰	٪۱	٪۰	٪۴۲/۵	٪۵۶/۳	درصد از کل معابر اصلی

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در مجموع در نام‌گذاری ۹۴ مورد (۱۲ درصد کل معابر دارای بار هویت ملی) از معابر اصلی شهر تهران از مفاهیمی استفاده شده است که ابعاد هویت ملی را بازنمایی می‌کند. از این تعداد ۵۳ مورد برابر با ۵۶ درصد مربوط به بعد سیاسی (مانند استقلال و انقلاب)، ۴۰ مورد (۴۲ درصد) مربوط به بعد دینی (مانند عدالت و بهشت) و یک مورد نیز مربوط به بعد فرهنگی است (مانند اردیبهشت) ولی از مفاهیم تاریخی استفاده نشده است.

سؤال ششم: در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران به کدام نوع از رویدادها و وقایع توجه بیشتری شده است؟

جدول شماره ۶: میزان توجه به رویدادهای ملی در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران

جمع	فرهنگی	تاریخی	دینی	سیاسی	ابعاد هویت ملی
					نوع نماد
۱۱	رویدادهای فرهنگی	رویدادهای تاریخی	رویدادهای دینی	رویدادهای انقلابی	وقایع و رویدادها
	۰	۰	۳	۸	
٪۱۵	۰	۰	٪۰/۰۰۵	٪۱	درصد از معابر هویتی
٪۱۴	۰	۰	٪۰/۰۰۴	٪۱	

جدول شماره شش نشان می‌دهد که در مجموع ۱۱ عدد از معابر اصلی شهر تهران اسامی ای هستند که وقایع و رویدادهای ملی را بازنمایی می‌کنند. از این تعداد ۸ مورد مربوط به وقایع سیاسی (دوران انقلاب) و ۳ مورد مربوط به رویدادهای دینی است. ابعاد تاریخی و فرهنگی هیچ سهمی در این اسامی نداشته‌اند. در نتیجه می‌توان گفت که در استفاده از اسامی مربوط به رویدادهای ملی به ابعاد هویت ملی (غیر از بعد دینی) به طور متعادلی توجه نشده است.

سؤال هفتم: در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران به کدام نوع از اسامی مکان‌ها توجه بیشتری شده است؟

جدول شماره ۷: میزان توجه به مکان‌های ملی در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران

جمع	فرهنگی	تاریخی	دینی	سیاسی		بعد هویت ملی
				مکان فراسرزمینی	مکان‌های داخلی	نوع نماد
۵۵	۰	۳۷	۲	۱۴	۲	مکان‌های ملی
				۱۶		جمع

جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که در مجموع برای نام‌گذاری ۵۵ مورد (۷ درصد از کل معابر)، از اسامی مکان‌هایی استفاده شده است که هویت ملی را بازنمایی می‌کنند. از این تعداد ۱۶ مورد مربوط به بعد سیاسی هویت ملی است که ۱۴ مورد آن مربوط به مکان‌هایی (کشورها و شهرهایی) است که رابطه سیاسی دوستانه با کشور ایران دارند (مانند فلسطین). و ۲ مورد مربوط به مکان‌های داخلی است که جنبه سیاسی پیدا کرده‌اند (مانند خلیج فارس). در بعد دینی نیز تنها از نام دو مکان استفاده شده است (مانند مداین). در بعد تاریخی از نام ۳۷ مکان استفاده شده است که به نوعی مربوط به ایران یا بخشی و شهری از آن است که محملی برای تکوین هویت ملی بوده است (مانند آذربایجان، جیحون و سبلان). در نتیجه در استفاده از نماد مکان برای نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران، به بعد تاریخی و بعد از آن به بعد سیاسی بیشتر توجه شده است، لکن به بعد دینی کم‌توجهی و به بعد فرهنگی هیچ توجهی نشده است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

نام فضاهای شهری نیز مانند نام انسان‌ها، حاوی معانی خاص خود بوده و می‌توان

براساس نام مکان‌ها مانند خیابان‌ها، ریشه‌های فرهنگی هر سرزمین، تعلق آنها به اقوام و تاریخ‌های پیشین را بررسی کرد (جونز و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۲۸). هم‌چنین اسامی خیابان‌ها می‌تواند نشان دهنده قدرت سیاسی یک گروه، یا یک ایدئولوژی باشد. این عناصر، یعنی میراث فرهنگی، تاریخی و حکومت سیاسی عناصری هستند که چیستی و کیستی یا به عبارتی هویت ملی یک ملت را معرفی می‌کند. از آنجا که آگاهی افراد جامعه از هویت ملی، شرط شکل‌گیری احساس تعلق افراد به کشور و ملت خود است، معرفی جامع آن می‌تواند باعث وحدت و انسجام ملی، که از کارکردهای هویت ملی است، بشود. از این‌رو در نام‌گذاری اماکن و معابر در یک جامعه باید به این موضوع توجه داشت. این پژوهش با توجه به این مطلب، به بررسی این موضوع پرداخته است که در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران تا چه میزان به مؤلفه‌های هویت ملی توجه شده است. نتایج تحلیل محتوا نشان می‌دهد که در این رابطه به شکل متوازنی به ابعاد هویت ملی توجه نشده است. گرچه حدود دو سوم معابر اصلی (۷۰ درصد) شهر تهران دارای اسامی هستند که به نوعی ابعاد هویت ملی را بازنمایی می‌کنند؛ لکن سهم بعد سیاسی بسیار بیشتر از بقیه ابعاد هویت ملی بوده است. به طوری که از ۵۳۲ مورد، ۶۷ درصد اسامی معابر اصلی به بعد سیاسی، ۱۹ درصد به بعد دینی، ۱۱ درصد به بعد تاریخی و ۷ درصد به بعد فرهنگی اختصاص یافته است.

از نمادهای تعریف شده هویت ملی نیز ۳۷۲ مورد به نام مشاهیر که برابر با ۷۰ درصد از کل معابر اصلی بعد هویت ملی دارند، اختصاص یافته است. هم‌چنین ۹۴ مورد (۱۸ درصد) به مفاهیم ملی، ۴۷ مورد (۹ درصد) به اسامی مکان‌های ملی و ۱۱ مورد (۲ درصد) به رویدادها و وقایع ملی اختصاص یافته است. در مجموع ۴۰۷ مورد از معابر اصلی شهر تهران به نام مشاهیر و شخصیت‌ها نام‌گذاری شده است.

این تعداد برابر با ۵۳٪ کل معابر اصلی و ۷۶٪ از معابر مرتبط با هویت ملی است. از این تعداد ۲۵۸ مورد برابر با ۶۳ درصد اسامی شخصیت‌های سیاسی است. که شامل ۲۵۰ مورد نام شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی و ۸ مورد مربوط به شخصیت‌های سیاسی خارجی است.

۸۵ نام (۲۱ درصد) نیز بعد دینی هویت ملی را بازنمایی می‌کند که ۵۷ مورد مربوط به نام معصومین (ع) و ۱۵ مورد مربوط به بزرگان مذهبی تاریخی و ۱۳ مورد مربوط به

بزرگان مذهبی صدر اسلام است. تعداد اسامی‌ای که بعد تاریخی هویت ملی را بازنمایی می‌کند، ۲۳ مورد (حدود ۶ درصد) است که ۱۸ مورد مربوط به شخصیت‌های تاریخ معاصر (قاجار و بعد)، ۵ مورد مربوط به تاریخ قبل معاصر (از اول اسلام تا قاجاریه) است و از اسامی مربوط به شخصیت‌های تاریخ باستان هیچ استفاده‌ای نشده است. اسامی مربوط به بعد فرهنگی نیز ۳۶ مورد (حدود ۹ درصد) است که بزرگان، شعرا و شخصیت‌های علمی، فرهنگی و تاریخی ایران را شامل می‌شود. داده‌های جدول فوق حکایت از عدم توازن در توجه به ابعاد هویت ملی در استفاده از نام شخصیت‌ها برای نام‌گذاری معابر شهر تهران دارد، به طوری که حدود دو سوم از اسامی تنها به مشاهیر و شخصیت‌های سیاسی اختصاص یافته است.

در حالی که کل اسامی شخصیت‌هایی که در سه بعد تاریخی، فرهنگی و دینی مورد استفاده قرار گرفته، حدود ۳۷ درصد بوده است. در نتیجه می‌توان گفت در این نام‌گذاری‌ها ملت سیاسی بیشتر از ملت تاریخی مورد توجه بوده است.

هم‌چنین در نام‌گذاری ۹۴ مورد (۱۲ درصد کل معابر دارای بار هویت ملی) از معابر اصلی شهر تهران از مفاهیمی استفاده شده است که ابعاد هویت ملی را بازنمایی می‌کند. از این تعداد ۵۳ مورد برابر با ۵۶ درصد مربوط به بعد سیاسی (مانند استقلال و انقلاب)، ۴۰ مورد (۴۲ درصد) مربوط به بعد دینی (مانند عدالت و بهشت) و یک مورد نیز مربوط به بعد فرهنگی است (اردیبهشت)، ولی از مفاهیم تاریخی استفاده نشده است.

درباره توجه به رویدادها و وقایع ملی در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران، در مجموع ۱۱ عدد از معابر اصلی شهر تهران اسامی دارند که وقایع و رویدادهای ملی را بازنمایی می‌کنند. از این تعداد ۸ مورد مربوط به وقایع سیاسی (دوران انقلاب) و ۳ مورد مربوط به رویدادهای دینی است. ابعاد تاریخی و فرهنگی هیچ سهمی در این اسامی نداشته‌اند. در نتیجه می‌توان گفت که در استفاده از اسامی مربوط به رویدادهای ملی به ابعاد هویت ملی به طور متعادل توجه نشده است. از سویی در مجموع ۵۵ مورد (۷ درصد از کل معابر) از اسامی مکان‌هایی استفاده شده است که هویت ملی را بازنمایی می‌کند. از این تعداد ۱۶ مورد مربوط به بعد سیاسی هویت ملی است که ۱۴ مورد آن مربوط به مکان‌هایی (کشورها و شهرهایی) است که رابطه سیاسی دوستانه با کشور ایران دارند (مانند فلسطین). ۲ مورد مربوط به مکان‌های داخلی است که جنبه سیاسی پیدا کرده‌اند (مانند خلیج فارس). در بعد دینی نیز تنها از نام دو مکان استفاده شده

است. (مانند مداین). در بعد تاریخی از نام ۳۷ مکان استفاده شده است که به نوعی مربوط به ایران یا بخشی و شهری از آن است که محملی برای تکوین هویت ملی بوده است (مانند آذربایجان، جیحون و سبلان). در نتیجه در استفاده از نماد مکان برای نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران، به بعد تاریخی و بعد از آن به بعد سیاسی بیشتر توجه شده است، لکن به بعد دینی کم‌توجهی و به بعد فرهنگی هیچ توجهی نشده است. هم‌چنین می‌توان گفت سهم نسبی انواع معابر از نظر داشتن اسامی دارای بار هویتی یکسان نیست، به طوری که ۷۴ درصد بزرگراه‌ها و ۷۴ درصد خیابان‌ها دارای بار هویت ملی هستند، اما این نسبت برای میادین ۵۴ درصد است. به عبارت دیگر در نام‌گذاری میادین اصلی شهر تهران نسبت به خیابان‌ها و بزرگراه‌ها به هویت ملی کمتر توجه شده است.

موارد ذکر شده درباره عدم توازن در نام‌گذاری معابر اصلی شهر تهران، از نظر توجه به ابعاد هویت ملی را می‌توان در دو محور اصلی زیر خلاصه کرد:

الف) عدم توازن در توجه به شخصیت‌های سیاسی، دینی، تاریخی و فرهنگی که عامل اصلی عدم توازن در توجه به ابعاد هویت ملی شده؛ و قابل بررسی است؛ از اسامی شخصیت‌های بسیاری که در طول تاریخ در کشور ایران دارای نقش مهمی بوده باید استفاده کرد.

ب) عدم توازن در استفاده از انواع نمادها (مفاهیم، رویدادها، مکان‌ها و شخصیت‌ها) در نام‌گذاری معابر البته قابل توجیه است؛ زیرا اسامی شخصیت‌ها قابلیت بیشتری برای استفاده در نام‌گذاری‌های معابر دارد و همان‌طور که قبلاً ذکر شد نام‌گذاری اماکن و معابر به نام اشخاص متوفی یا غیرمتوفی از دوره قاجار در تهران مرسوم بوده است.

در نتیجه با یافته‌های به دست آمده می‌توان گفت در تعامل ذهنی که افراد جامعه در شهر تهران با اسامی معابر دارند، فرایند معناسازی و باز تفسیر الگوهای ملی به طور کامل صورت نمی‌گیرد. به عبارت دیگر مجموعه این اسامی قادر به ارائه صورت جامع و کاملی از هویت ملی ایرانیان آن‌طور که همه ابعاد هویت مد نظر قرار دهد، نیست. از سویی به علت این‌که هویت هم جنبه تکوینی و هم جنبه تکوینی دارد، شرط پایداری و تکوین این اسامی مقبولیت این نوع اسامی است. بنابراین این نوع نام‌ها نمی‌توانند به راحتی به لایه‌های هویت ایرانی اضافه شود. حتی در صورت تحقق این امر، به علت

غفلت از برخی از ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی، افراد جامعه شناخت ناقصی از هویت ملی خواهند داشت.

نتیجه آخر این که مفهومی که از ملت در این نوع نام‌گذاری‌ها آشکار می‌شود، ملت به معنای سیاسی است که در آن یکپارچگی کنونی مهم‌تر از پیشینه تاریخی و فرهنگی و حتی دینی است. این امر گرچه در کوتاه مدت ممکن است مفید واقع شود، لکن در درازمدت به بهای تقویت بحران هویت ملی عمل خواهد کرد. لذا لازم است متصدیان امر نام‌گذاری معابر در پایتخت و هر جای از این سرزمین، با توجه به اهمیت همه مؤلفه‌های هویت ملی، برنامه مدون و جامعی برای این موضوع در دست داشته باشند.

منابع

- ابوالحسنی، رحیم (۱۳۸۷): «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکرد پژوهشی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، ش ۴، صص ۲۲-۱.
- اخوان کاظمی، مسعود، شاه قلعه، صفی‌اله (۱۳۹۲): «تأثیر فوتبال بر مؤلفه‌های هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، س ۱۴، ش ۲۳، صص ۱۳۵-۱۱۵.
- اسمیت، دی‌آنتونی (۱۳۸۳): *ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه منصور انصاری، تهران: تمدن ایرانی.
- بدیعی، مرجان (۱۳۸۸): «گفتمان نام‌گذاری خیابان‌های شهر تهران پس از انقلاب اسلامی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، س ۵، ش ۱، صص ۷۲-۱۰۱.
- پاپلی‌یزدی (۱۳۷۳): «نام‌گذاری کوچه و خیابان‌ها در تهران دیروز و امروز»، ترجمه ابوالحسن سرو مقدم، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، س ۱۰، ش ۳۳، صص ۶۲-۴۷.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳): «هویت ایرانی، فرصت‌ها و چالش‌ها»، *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، داود میرمحمدی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی، مؤسسه مطالعات ملی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۱): «ملیت، مذهب و آینده تمدن ایرانی»، *مجله ایران فردا*، س ۱، ش ۵، ص ۱۴، بهمن و اسفند.
- توسلی، غلامعباس؛ قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۳): «هویت‌های جمعی و جهانی شدن»، *نامه علوم اجتماعی*، س ۱۱، ش ۲۴، صص ۲۶-۱.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۸۹): «کتاب‌درسی و هویت ملی، فراتحلیل مطالعه‌های انجام شده درباره کتاب‌های درسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۴۲، ش ۲، صص ۵۴-۳۱.

- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): **هویت اجتماعی**، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- جونز، مارتین و همکاران (۱۳۸۶): **مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی**، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹): «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، **فصلنامه مطالعات ملی**، س ۲، ش ۵، صص ۲۲۸-۱۳۱.
- ----- (۱۳۸۸): **جامعه‌شناسی هویت ایرانی**، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- حجازی، بهجت‌السادات (۱۳۸۵): «از ملی‌گرایی فردوسی تا فراملی‌گرایی مولوی»، **کاوش‌نامه ادبیات**، س ۷، ش ۱۲، صص ۳۲-۹.
- حقیقتیان، منصور و همکاران (۱۳۹۰): «هویت ملی و برخی عوامل مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه اصفهان»، **فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی**، س ۲۲، ش ۱، بهار ۹۰، صص ۸۲-۷۱.
- درانی، کمال (۱۳۷۵): **درآمدی بر تجزیه و تحلیل محتوی (فن تعبیر و تفسیر نظارتی)**، تهران: انتشارات سازمان دانش‌مدیریت.
- صالحی‌عمران، ابراهیم؛ شکیباییان، طناز (۱۳۸۶): «بررسی میزان توجه به هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی»، **فصلنامه مطالعات ملی**، دوره ۲۹، س ۸، ش ۱، صص ۴۸-۳۱.
- عبداللهی، محمد، (۱۳۸۹): «هویت ملی در ایران، فراتحلیل مقاله‌های فارسی موجود»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، ش ۵۰، صص ۳۵-۱.
- قالیباف، محمدباقر؛ پوینده، محمدهادی (۱۳۸۹): «بنیادهای جغرافیایی هویت ملی»، **فصلنامه مطالعات ملی**، س ۱۲، ش ۴۵، صص ۲۴-۳.
- قربانعلی‌زاده، مزده؛ هاشمی، ضیاء (۱۳۹۳): «هویت ملی در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی»، **فصلنامه مطالعات ملی**، س ۱۵، ش ۴، صص ۷۱-۴۹.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰): **جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفویه**، تهران: اتمدن ایرانی.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۰): «جهانی‌شدن و بحران هویت»، **فصلنامه مطالعات ملی**، ش ۱۰، صص ۴۹-۱۳.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۷): **تکوین جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران، با تأکید بر دوره صفوی**، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷): **تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- ----- (۱۳۸۷): **جامعه‌شناسی**، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: نی.
- لقمان‌نیا، مهدی؛ خامسان، احمد؛ آیتی، محسن؛ خلیفه، مجتبی (۱۳۹۰): «شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی براساس نظریه داده بنیاد»، **فصلنامه نوآوری آموزشی**، س ۱۰، ش ۴، صص ۵۶-۳۲.
- مرشدی‌زاد، علی (۱۳۸۷): «نمادها و آیین‌ها در ایران پس از انقلاب و نقش آنها در همبستگی ملی»، **فصلنامه مطالعات ملی**، ش ۳۶، سال نهم، ش ۴.
- مهربانی، امیرحمزه (۱۳۸۱): «بررسی فرایند تغییر نام معابر و اماکن عمومی»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، ش ۱۷، صص ۹۷-۱۳۰.
- نظری، اشرف و همکاران (۱۳۹۱): «فرهنگ، سیاست نام‌گذاری و بازنمایی هویت»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، دوره ۵، ش ۴، صص ۲۲-۱.